روزنامه صبح ایران
آرمان ملی
شماره ۲۲۳۲
سال هشتم
چهارشنبه
۱۴۰۴ • ۰۷ • ۳۰
۲۹ ربیع‌الثانی ۱۴۴۷ / ۲۲ اکتبر ۲۰۲۵
اذان ظهر ۱۱:۴۹ اذان مغرب ۱۷:۴۳
اذان صبح (فردا) ۰۴:۵۰ طلوع آفتاب (فردا) ۰۶:۱۳

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: نیره طاهری نیک
زیر نظر شورای سردبیری
نشانی: تهران، چهاره راه یوسف‌آباد، خیابان فتحی شقاقی به سمت ولیعصر پلاک ۱۸، ساختمان آفتاب، واحد ۱
تلفن: ۰۲۱۸۸۱۰۵۰۰۷ دورنگار: ۰۲۱۸۸۱۰۵۳۴۱ آگهی ها: ۰۲۱۸۸۱۰۴۶۵۷
چاپ: همشهری «۲» تلفن: ۶۶۲۸۳۲۴۲
توزیع تهران و شهرستان: نشر گستر امروز ۶۱۹۳۳۳۳۳

نشانی اینترنتی: www.armanmeli.ir
آیین نامه اخلاق حرفه ای
روزنامه آرمان ملی را
در سایت بخوانید

غیر محرمانه

واکنش دولت به انتشار کلیپ عروسی دختر علی شمخانی

رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت، در واکنش به انتشار کلیپ مربوط به مراسم عروسی دختر علی شمخانی گفته است: باید هوشیار بود که هدف اصلی این جنگ رسانه‌ای، ایجاد بی‌اعتمادی و ناامیدی در جامعه است، نه نقد یا اصلاح رفتار افراد. الیاس حضرتی اظهار داشته است: انتشار چنین محتواهایی در فضای مجازی جزو دستورکار همیشگی دشمنان بوده و این روزها شدت بیشتری پیدا کرده است. اینکه ناگهان کلیپی از یک مراسم، گفت‌وگو یا اظهار نظر منتشر می‌شود و به سرعت دست به دست می‌گردد، بخشی از پروژه تخریب چهره‌هاست. در این روند، تفاوتی ندارد فرد اصلاح‌طلب باشد یا اصولگرا، شخصیت شناخته‌شده باشد یا نه؛ به همان اندازه که اثرگذاری دارد، هدف تخریب قرار می‌گیرد.

هاشمی واقعی با هاشمیِ روایت‌شده فرق دارد

محمدعلی ابطحی، سیاستمدار اصلاح‌طلب گفته است: هاشمی رفسنجانی در دوره قدرتش نفر دوم کشور بود و حتی فرماندهی کل قوا با نظر امام به او سپرده شد. تمام امور مهم با مشورت هاشمی پیش می‌رفت. هاشمی در ده سال پایانی عمرش مغضوب شد. دوران مغضوب شدن هاشمی نیز بهترین سال‌های عمر او بود. آن هاشمی که بوده با این هاشمی که برای شما ساخته‌اند فرق دارد. وی همچنین اظهار داشته است: اگر امروز انتخابات برگزار شود، خاتمی از احمدی‌نژاد بیشتر رای دارد، احمدی‌نژاد در روند طبیعی رئیس جمهور نشد، حمایت شد.

بازیگر سینما بازداشت شد

مرکز رسانه قوه قضائیه آورده است: «چندی پیش خانمی با مراجعه به مرجع قضائی از یک بازیگر سینما به اتهام تجاوز به عنف شکایت کرد. در پی شکایت شاکی خصوصی و بررسی‌های تخصصی و علمی انجام شده این بازیگر مشهور سینما با احضار به مرجع قضائی تفهیم اتهام و بازداشت شد.

مشکلات واقعی مردم را حل کنید

زیدآبادی روزنامه‌نگار و فعال سیاسی گفته است: به جای تمرکز بر حجاب، مشکلات واقعی مردم را حل کنید؛ عدم مذاکره با آمریکا فشارها را تشدید می‌کند عدم مذاکره با آمریکا یعنی اعمال فشار بیشتر به ایران و خیلی از کشورها اسنپ بک را اجرا خواهند کرد. نمایندگان مجلس به جای گیر دادن به حجاب، مشکلات موتورسواران و آلودگی هوا را ببینند و راه حل بدهند. اولین کسی هستم که دوست دارم آمریکا را نادیده بگیرم البته اگر بشود.

سایپا باز هم محصولاتش را گران می‌کند

سایپا برای اعلام افزایش قیمت جدید محصولات، درخواست توقف نماد معاملاتی داد. مدیرعامل سایپا گفته این اقدام در راستای حفظ صرفه و صلاح سهامداران انجام می‌شود. سایپا پیش‌تر در خرداد افزایش قیمت‌هایی را اعمال کرده بود و به تازگی ایران خودرو نیز نرخ محصولات خود را افزایش داده است.

مرگ دو عمانی ارتباطی با آب معدنی ایرانی ندارد

رئیس اتاق بازرگانی ایران و عمان گفته است: آب معدنی ایرانی، به ویژه از چهارمحال و بختیاری، سالم و باکیفیت است. حادثه مرگ دو نفر در عمان، به دلیل تزریق مواد مخدر به بطری‌ها بوده و ربطی به محصول ایرانی ندارد. بازار صادراتی ایران آسیب دیده و باید اعاده حیثیت شود.

نوشتن شرافتمندانه درباره اقتصاد هزینه سنگینی دارد

فرشاد مومنی، رئیس موسسه مطالعات دین و اقتصاد گفته است: نوشتن شرافتمندانه درباره اقتصاد ایران هزینه سنگینی دارد. در ایران، مسئولیت‌های اقتصادی به افراد فاقد درک واقعی از اقتصاد سپرده می‌شود. وی اظهار داشته است: تصور کسانی که معتقدند راه نجات ایران در یکدست کردن حکومت است، ممکن است به مافیاها و منافعشان مربوط باشد، اما به توسعه ملی ایران هیچ ارتباطی ندارد. توزیع عادلانه قدرت حیاتی‌ترین عنصر در شکل‌گیری موفقیت اقتصادی در ایران است.

مذاکره نه حفظ یک کانال ارتباطی آری

مصطفی نجفی کارشناس خاورمیانه گفته است آنچه اکنون میان ایران و آمریکا در جریان است، در گام نخست برقراری و حفظ یک کانال ارتباطی و تماس برای مدیریت و کاهش تنش‌ها محسوب می‌شود، نه مذاکره‌ای ساختارمند با هدف دستیابی به توافق. به همین ترتیب، میانجیگری اخیر پوتین میان ایران و اسرائیل نیز با هدف کاهش تنش‌ها انجام شده و ایران نیز پاسخ لازم را در این زمینه ارائه کرده است. در شرایط کنونی، هرگونه مذاکره صرفاً با هدف مهار تنش‌ها و جلوگیری از شروع مجدد درگیری و دور کردن سایه جنگ صورت می‌گیرد.

هنر دارایی بافی یزد

عکس: لیلا دانشی فر ◆ عکسنامه

سریال

واکنش تهیه‌کننده «بامداد خمار»:

بروید استغفار کنید!

در پی انتشار نامه‌ای از سوی ساترا مبنی بر الزام حذف نام کارگردان و تهیه‌کننده سریال «بامداد خمار» از تیتراژ و تبلیغات محیطی، محمدحسین قاسمی. تهیه‌کننده این سریال در متنی که در اختیار ایسنا قرار داده، به این موضوع واکنش نشان داد و توضیحاتی درباره حواشی پیش آمده ارائه کرد. (۲۸ مهرماه)

نخستین قسمت سریال «بامداد خمار» به کارگردانی نرگس آبیار از یکی از پلتفرم‌های تازه‌تأسیس شبکه نمایش خانگی پخش شد. این سریال بر اساس رمانی با همین نام روایتگر داستانی عاشقانه و پرفراز و نشیب با بازی ترلان پروانه و نوید پورفرج است. برای پخش این سریال، نامه‌ای از سوی ساترا خطاب به مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان تهران منتشر شده که در آن سه الزام محتوایی برای این مجموعه از جمله عدم درج نام کارگردان و تهیه‌کننده در بیلبورد سریال درنظر گرفته شده است. بر اساس مفاد این نامه، همچنین اعلام تاریخ انتشار در تبلیغات محیطی ممنوع و تنها استفاده از عبارت «به‌زودی» مجاز دانسته شده است. در این نامه تأکید شده که رده‌بندی سنی ۱۵+ سال نیز باید به صورت واضح در بیلبوردها قابل مشاهده باشد. با این حال، در تیتراژ آغازین و پایانی قسمت اول سریال، نام نرگس آبیار درج شده و تنها نام تهیه‌کننده حذف شده است.

در پی این موضوع و با توجه به حاشیه‌های مشابهی که پیش‌تر برای سریال «سووشون»، ساخته همین کارگردان و تهیه‌کننده رخ داده بود، جزئیات ماجرا را از محمدحسین قاسمی. تهیه‌کننده «بامداد خمار». جویا شدیم؛ با این حال او ترجیح داد توضیحات خود را در قالب متنی مکتوب ارائه کند. بنا بر گزارش ایسنا، یادداشت محمدحسین قاسمی. تهیه‌کننده «بامداد خمار» و «سووشون». را در ادامه می‌خوانید: «در چند روز گذشته شاهد نامه‌ای از سمت ساترا بابت حذف نام تهیه‌کننده و کارگردان سریال «بامداد خمار» (محمدحسین قاسمی و نرگس آبیار) از بیلبوردهای تبلیغاتی مربوط به این اثر بودیم (تصویر نامه جهت اطلاع مخاطبان ارسال شده است)، همین‌طور فشار به پلتفرم تازه‌تاسیس شیدا برای حذف نام تهیه‌کننده از تیتراژ سریال و همچنین شکایتی از سوی ساترا بابت سریال سووشون با مضمون کلی تهیه اثر خلاف عرف و مستهجن توسط نرگس آبیار و بنده که لازم دانستم توضیحاتی محضر مخاطبان عزیز دهم: ابتدا از استقبال قابل توجه مردم از سریال «بامداد خمار» در همین روز اول انتشار بسیار سپاسگزارم. ما این اثر را برای مردم ساختیم و همیشه با تمام توان کار کردیم و سعی‌مان این بود که کم‌فروشی نکنیم و بابت حواشی تحمیلی به آثارمان از سوی ساترا بسیار عذرخواهیم. لازم به ذکر است حذف نام‌مان از چند جا (بیلبورد و تیتراژ اثر و...) چیزی از لطف مردم به هنرمندان کم نمی‌کند. هدف ما از ابتدا کار فرهنگی سالم و سازنده برای کشور بوده است. این اقدام کاملاً بی‌سابقه است که نام تهیه‌کننده و کارگردان با دستور نهادی مثل ساترا حذف شود. مگر می‌توان نام خالقان یک اثر هنری را حذف کرد؟ این رفتار نه «نظارت» است و نه «صیانت»؛ بلکه نماد آشکار حذف، تحقیر و بی‌هویت‌سازی هنر است. ساترا به‌جای حمایت از تولیدات فرهنگی، به ابزار تهدید و حذف بدل شده است. حذف نام خالقان اثر، نقض صریح حقوق حرفه‌ای و مالکیت معنوی است و تلاشی برای پاکسازی حافظه فرهنگی جامعه محسوب می‌شود. این تصمیم نه قانونی است، نه اخلاقی، و نه قابل توجیه. ساترا اعلام کرده که ما به دلیل تولید «سریال مستهجن» ممنوع‌کار شده‌ایم، اما هیچ حکم یا ابلاغ رسمی به ما نرسیده است. چطور همان اثری که آن را «مستهجن» می‌خوانند، اکنون با نام ما در پلتفرم نما و اپخش می‌شود، ولی در اثری دیگر، نام ما حذف شده است؟ اگر گنهی هم کرده باشیم، این مصداق همان بیت معروف است: «گنه کرد در بلخ آهنگری، به شوشتر زدند گردن مسگری!» حتی بابت همان موضوع، سریال «سووشون» را هم که ۵۴ روز توقیف کردید. رفتار فعلی‌تان در دل خود تناقض دارد و از ناآگاهی نسبت به هنر و فرآیند خلق اثر ناشی می‌شود. در فضای فرهنگی، تساهل و تسامح باید جایگزین رفتارهای قهری و حذفی شود آن هم در شرایط فعلی که شائبه ایجاد نفرت سازمان‌یافته در جامعه از سوی نهادی خاص را به‌وجود می‌آورد. تجربهٔ چهار دهه اخیر نشان داده که برخوردهای حذفی جز انزوا، مهاجرت یا خاموشی هنرمندان نتیجه‌ای نداشته است و باعث عدم پویایی اجتماعی و ایجاد فاصله بیشتر در جامعه شده است. متاسفانه تیغ تیز حذف دامن کسانی را گرفته که خود سال‌ها برای فرهنگ و هنر این سرزمین زحمت کشیده‌اند.

اگر قرار است بنده و خانم آبیار کار نکنیم، صریح بگویند «شما کار نکنید»، نه اینکه با برچسب‌های بی‌اساس مثل «مبتذل» و «مستهجن» حیثیت افراد را خدشه‌دار کنند. هنر را نمی‌توان با حذف اداره کرد. فرهنگ را نمی‌توان با تهدید مدیریت کرد. مراسم تشییع زنده‌یاد ناصر تقوایی، علاوه بر یادبود آن استاد بزرگ، نوعی اعلام انزجار از اندیشه‌های تندرو فرهنگی بود و به نوعی اعلام فاصله‌گذاری با آن بود. سال‌ها استاد تقوایی برای اعتراض به همین جریان‌های حذف و تنگ‌نظری، فیلم نساخت. نتیجهٔ سیاست حذف و پاک کردن نام‌ها را در آن مراسم به‌روشنی دیدیم. در طول یک سال گذشته، ساترا وقت برای گفت‌وگو به ما نداد. قرار بود فقط با آمریکا مذاکره غیرمستقیم شود، اما ظاهراً این عزیزان همه را همچون آمریکا دیده‌اند! امیدوارم مدیران ارشد در جریان دقیق این اتفاقات نباشند و در مسیر رفع ابهام‌ها کمک کنند. باید به تندروها عرض کنم با حذف دیگران، کسی به سراغ شما و اندیشهٔ شما نخواهد آمد. خودتان را اصلاح کنید، نه مردم و سینما را. اگر امروز نام‌ها حذف شوند، فردا نوبت حذف اندیشه‌ها، روایت‌ها و خود مردم خواهد بود. اگر امروز تیتراژ را «بی‌نام» کنید حتما با خیال باطل فردا می‌خواهید هنر را بی‌صدا کنید. نام‌ها را شاید بتوانید از تابلوها بردارید، اما از دل مردم هرگز. هنر دستاویز سیاست نیست؛ سینما را ملعبهٔ تصمیم‌های تند و ناپخته نکنید. بروید استغفار کنید. تأکید می‌کنم که هنرمندان فرزندان ایران هستند و حذف آنان حذف بخشی از خود این سرزمین است. یادآوری می‌کنم که اعتماد عمومی و امید اجتماعی با احترام به مردم حفظ می‌شود، نه با سانسور و حذف. در پایان هم موکداً عرض می‌کنم: «ما نه حذف می‌شویم و نه قهر می‌کنیم؛ فقط یادآور می‌شویم که هیچ‌کس نمی‌تواند نام عشق و تلاش را از حافظه مردم پاک کند.»

سینما

داودنژاد در جشنواره فیلم کوتاه تهران چه گفت؟

علیرضا داودنژاد گفت: فیلمساز باید بتواند زمان را تقسیم کند و بداند که باید بار زمان فیلم را روی کدام قسمت از فیلمنامه بگذارد. اینکه زمان در روایت قصه چگونه به تصویر کشیده شود را من دانایی سینمایی می‌نامم. طبق گزارش رسیده، نخستین نشست تخصصی چهل‌ودومین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران با عنوان «سینما و زمان» با سخنرانی علیرضا داودنژاد، کارگردان، تهیه‌کننده و فیلمنامه‌نویس و با اجرای وحید رونقی، دیروز سه‌شنبه ۲۹ مهر ۱۴۰۴ در پردیس سینمایی ایران‌مال برگزار شد. علیرضا داودنژاد در ابتدای نشست با اشاره به پیچیدگی ارتباط میان زمان و تصویر گفت: مسئله زمان و منتقل کردن آن به مخاطب موضوع پیچیده‌ای است، من معمولا پیشنهاد می‌دهم که فیلمسازان برای درک زمان فیلم، هنگام خواندن فیلمنامه زمان را بسنجند و البته مکث‌ها و حرکت قدم‌ها را نیز در نظر بگیرند. او با اشاره به اینکه استاندارد دقیقی برای سنجیدن زمان فیلم از روی فیلمنامه وجود ندارد توضیح داد: می‌گویند هر صفحه فیلمنامه یک دقیقه است، اما به باور من این مقیاس درستی نیست چون اساسا معیار دقیقی برای زمان‌بندی وجود ندارد. نکته بعد اینکه فیلمساز باید تجربه زمان و درک آن را داشته باشد تا بتواند صحنه را تبدیل به محل رویت شدن زمانی کند که در فیلمنامه نوشته شده است. این هنرمند ادامه داد: فیلمی که محوریت آن زمان است با یک فیلم سینمایی که در زمان تولید می‌شود روایت می‌شود. بحث زمان و نمایش آن در فیلمنامه کار بسیار دقیق و سنجیده‌ای است. فیلمساز باید بتواند زمان را تقسیم کند و بداند که باید بار زمان فیلم را روی کدام قسمت از فیلمنامه بگذارد. اینکه زمان در روایت قصه چگونه به تصویر کشیده شود را من دانایی سینمایی می‌نامم. این کارگردان سینما ادامه داد: کارگردان باید حسی را در مخاطب ایجاد کند تا مخاطب بتواند حس تنهایی جمعی را حس کند و از آنجا وارد داستان شود. زمان محور اصلی در سینما است، باید بتوان انتظار، سرعت، عجله و تمام این موارد را منتقل کرد. در اصل اگر اتصال فریم‌ها به یکدیگر و زمان اتصال درست باشد به راحتی مخاطب به راحتی وارد جهان داستان می‌شود. این فیلمنامه‌نویس درباره کارگردانی که هدفش ساخت فیلم کوتاه است بیان کرد: کارگردانی که می‌داند می‌خواهد یک فیلم سی دقیقه‌ای بسازد باید تدوین، موسیقی، فیلمنامه، میزانسن و دکوپاژ را متناسب با آن زمان در نظر بگیرد، چون زمان و روایت یک نسبت جدی با هم دارند و به نوعی با یکدیگر منطبق هستند. این تهیه‌کننده سینما افزود: اینکه چگونه می‌توان به گذر زمان قالب و شکل داد برعهده فیلمساز است، خود کارگردان باید گذر زمان را حس کند تا بتواند به لحاظ زمانی مخاطب را با خود همراه کند. آنچه که از آن به عنوان دانایی در سینما یاد می‌کنیم موضوعی است که اجازه نمی‌دهد هیچ یک از لحظه‌ها از دست برود و می‌تواند مخاطب را با خود همراه کند. معمولا در فیلم‌های خوب و استاندارد مخاطب با اثر در تنهایی جمعی و زمان جمعی همراه می‌شود، به همین دلیل هم برخی از فیلم‌ها هستند که مخاطب بعد از تماشای آن رضایت دارد. این نویسنده در پاسخ به این سوال که ما چگونه می‌توانیم بضاعت «زمانی» که در فیلمنامه نوشته شده است را به تصویر بکشیم گفت: اولین شرط این است که زمان فیلمنامه را بدانیم. اگر کارگردان در جریان ساخت اثر سینمایی به درک زمان رسیده باشد، وقتی می‌خواهد سریال بسازد مراقب زمان است. او ادامه داد: مثلا خانم پناهنده در سریال «انتهای شب» با یک درک سینمایی و با محوریت زمان سریال را ساخت و مراقب مراوده‌ها و زمان آثار بود. کسی که در یک نشست سینمایی می‌تواند یک روایت و یک موضوع را به صورت صوتی و تصویری روایت کند و ما را از روزمرگی خارج و وارد جریان زمان فیلم کند، یعنی آن فیلمساز دانایی سینمایی دارد. این هنرمند ادامه داد: البته باید بگویم که الزاما ساخت سریال ارتباطی به تجربه سینمایی ندارد اما اگر دانایی سینمایی و محوریت سینمایی و باورپذیری وجود نداشته باشد، آن سریال هیچ فایده‌ای ندارد، چون نمی‌تواند مخاطب را با خود همراه کند.

نام‌گذاری

وزیر ارشاد پاسخ داد

جزایر سه‌گانه ایرانی در انتظار ورود به تقویم

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با اشاره به تصویب نام‌گذاری روزی در تقویم رسمی کشور برای جزایر سه‌گانه ایرانی خلیج فارس در شورای فرهنگ عمومی، اعلام کرد که این مصوبه برای بررسی نهایی به شورای عالی انقلاب فرهنگی ارسال شده و حتی اگر فرصت درج آن در تقویم سال آینده فراهم نشود، تصویب رسمی، زمینه اجرای برنامه‌ها و پیوست‌های فرهنگی مرتبط با این روز را فراهم خواهد کرد.

مهرماه سال گذشته، تکرار ادعاهای بی‌پایه امارات درباره مالکیت جزایر سه‌گانه تنب بزرگ، تنب کوچک و بوموسی و انتشار بیانیه مشترک شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه اروپا که در آن این جزایر ایرانی «اشغالی» خوانده شده بودند، موج تازه‌ای از واکنش‌ها را در ایران برانگیخت. این بار اما واکنش‌ها از سطح بیانیه‌های رسمی فراتر رفت و در شبکه‌های اجتماعی به یک جریان پررنگ ملی تبدیل شد. بسیاری از کاربران ایرانی در پویش‌های مجازی، با تأکید بر پیشینه تاریخی و اسناد حقوقی روشن، بار دیگر بر ایرانی بودن این جزایر و پیوند دیرینه آن‌ها با هویت خلیج‌فارس تأکید کردند.

در پی همین تحرکات، برخی فعالان فرهنگی و رسانه‌ای پیشنهاد دادند سالروز خروج نیروهای انگلیسی از این جزایر، یعنی دهم آذرماه، به‌عنوان «روز ملی جزایر ایرانی خلیج‌فارس» در تقویم رسمی کشور ثبت شود. این ایده با استقبال روبه‌رو شد و در نهایت به سطح تصمیم‌گیری‌های رسمی رسید. نیکنام حسینی‌پور، رئیس مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، همان زمان اعلام کرد وزیر فرهنگ دستور بررسی موضوع را صادر کرده و شورای فرهنگ عمومی مأمور اجرای آن شده است. به این ترتیب، واکنشی مردمی در فضای مجازی، به تدریج به سطح تصمیم‌گیری‌های رسمی راه یافت و به‌عنوان یک پیشنهاد جدی برای تقویم ملی کشور مطرح شد.

اکنون که شورای همکاری خلیج فارس و انگلیس در بیانیه‌ای مشترک در نشستی در نیویورک با تکرار ادعاهای خود درباره جزایر سه‌گانه ایرانی خواستار مذاکرات دوجانبه با روی آوردن به دیوان بین‌المللی دادگستری شدند، بررسی و تصویب نام‌گذاری «روز ملی جزایر ایرانی خلیج فارس» در تقویم رسمی کشور، با توجه به گذشت یک سال از طرح موضوع ضرورتی دوچندان پیدا می‌کند؛ موضوعی که سبب شد تا وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در پاسخ به ایسنا توضیحاتی را ارائه کند.

سید عباس صالحی در این زمینه در گفت‌وگو با ایسنا توضیح می‌دهد: «در آخرین جلسه شورای فرهنگ عمومی، موضوع نام‌گذاری روزی ویژه برای جزایر سه‌گانه خلیج‌فارس در تقویم رسمی کشور مطرح شد و به تصویب رسید. مطابق رویه‌های قانونی، این مصوبه برای بررسی و اظهارنظر نهایی به شورای عالی انقلاب فرهنگی ارسال شده تا پس از تأیید، نهایی شود.»

او درباره علت تأخیر در روند نام‌گذاری با توجه به گذشت حدود یک سال از طرح این پیشنهاد می‌گوید: «در فرآیند نام‌گذاری روزهای تقویم، پیشنهادهای متعددی مطرح بود و در عین حال تصمیم گرفته شد آیین‌نامه نام‌گذاری روزهای رسمی نیز بازنگری شود؛ موضوعی که طبیعتاً زمان‌بر بود. پس از تصویب آیین‌نامه جدید، بررسی و پیگیری پیشنهادهای قبلی از جمله نام‌گذاری روزی برای جزایر سه‌گانه در دستور کار قرار گرفت و خوشبختانه این موضوع در جلسه اخیر شورای فرهنگ عمومی به تصویب رسیده و به شورای عالی انقلاب فرهنگی ارجاع شده است.»

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با اشاره به اینکه برای این نام‌گذاری، گزینه‌های مختلفی مورد بحث قرار گرفته، درباره درج این مناسبت در تقویم سال ۱۴۰۵ می‌گوید: «تصویب نهایی نام همین امسال انجام می‌شود، اما از آنجا که تقویم سال ۱۴۰۵ باید تا اوایل آبان‌ماه نهایی شود، ممکن است فرصت درج این مناسبت در نسخه سال آینده وجود نداشته باشد. با این حال امیدواریم شورای عالی انقلاب فرهنگی در اسرع وقت نظر خود را اعلام و روند نهایی‌سازی را تکمیل کند.»

صالحی در پایان تأکید می‌کند: «حتی اگر این مناسبت در تقویم سال آینده ثبت نشود، صرف تصویب و اعلام رسمی آن، زمینه اجرای برنامه‌های مرتبط با این روز را فراهم می‌کند. بر همین اساس امیدواریم تا آذرماه بتوانیم اقدامات و پیوست فرهنگی متناسب با این مناسبت ملی را عملیاتی کنیم.» نام‌گذاری روزهای ملی در تقویم رسمی کشور، در ظاهر اقدامی فرهنگی است، اما در بطن خود پیامی تاریخی و هویتی دارد. ثبت چنین روزهایی به معنای بازتعریف مرزهای فرهنگی و تاریخی ایران در حافظه عمومی است؛ مرزهایی که فراتر از خطوط جغرافیایی، در عمق تاریخ و ذهن مردم شکل گرفته‌اند. از این رو، هر مناسبت ملی می‌تواند به ابزاری نرم برای تثبیت واقعیت‌های تاریخی و پاسخ به تحریف‌های بیرونی تبدیل شود. در سال‌های اخیر، در حالی که برخی کشورهای منطقه تلاش کرده‌اند با تحریف نام خلیج‌فارس یا طرح ادعاهای واهی درباره جزایر سه‌گانه ایرانی، واقعیت‌های مسلم تاریخی را وارونه جلوه دهند، ضرورت پاسداشت نمادهای هویتی و سرزمینی ایران بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. نام‌گذاری یک روز ویژه در تقویم رسمی کشور به نام جزایر سه‌گانه، در واقع پاسخی فرهنگی به این تحریف‌هاست.

چنین اقدامی، علاوه بر تأکید بر مالکیت تاریخی و حقوقی ایران بر جزایر بوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک، یادآور پیوند ناگسستنی ملت ایران با خلیج فارس است؛ پهنه‌ای که در طول تاریخ، بخشی از هویت ملی و فرهنگی ایرانیان بوده است. درج این روز در تقویم رسمی کشور، باید بتواند زمینه‌ساز گفتمان تازه‌ای در حوزه دیپلماسی فرهنگی باشد تا نسل‌های امروز و فردا بدانند پاسداری از هویت سرزمینی، پیش از هر چیز از ساحت فرهنگ آغاز می‌شود.